



مدرسه آیت الله العظمی بروجردی در نجف

ابوذر بریدی

ساخت مدرسه

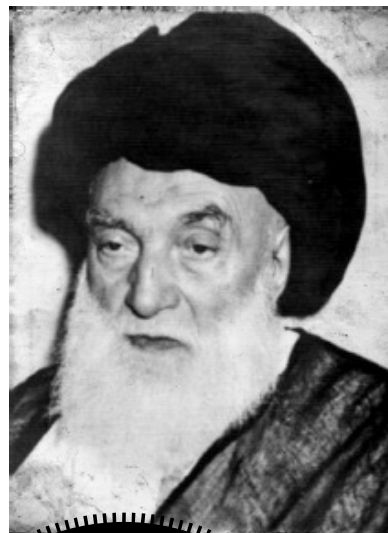
مدرسه آیت الله بروجردی، در ضلع شرقی حرم امیرمؤمنان علی (ع)، روبه روی باب امام رضا (ع)، در ابتدای بازار بزرگ نجف (سوق الکبیر) قرار دارد. این مدرسه به منظور تقویت حوزه علمی نجف، در سال ۱۳۷۳ قمری (۱۳۳۳ شمسی) به دستور آیت الله العظمی بروجردی و به اشراف و مدیریت مرحوم «حاج شیخ نصرالله خلخالی» ساخته شد تا طلاب و فضایی جوان در آن مشغول تحصیل، تدریس و تحقیق شوند و آینده این حوزه، از حیث نیروی انسانی تأمین گردد.

این مدرسه در زمینی به مساحت پانصد متر مربع و در چهار ضلع در سه طبقه، به روشی کاملاً ابتکاری و چشم‌نواز و با رعایت اصول معماری و مهندسی تأسیس شد که در آن مقطع یکی از مدارس نمونه و منحصر به فرد حوزه نجف به شمار می‌آمد و نزدیک‌ترین مدرسه به حرم بود. ۶۴ حجره و یک کتابخانه مجهز^(۱) کتابخانه حدود هشت هزار جلد کتاب داشت. به علاوه مرحوم «آیت الله بروجردی» به خاطر اهتمام بیشتری که به رونق این مدرسه داشت، بخشی از کتاب‌های شخصی خویش را به این کتابخانه

منتقل نموده بود^(۲). همچنین فرزند کوچک خویش آقای «سید احمد بروجردی» را هم ملزم ساخت تا به نجف هجرت کند و در این مدرسه ساکن شده و به تحصیلات خود ادامه بدهد^(۳). این مدرسه دارای حیاط بزرگی بود که در وسط آن حوض بزرگی هم قرار داشت. مدرسه آیت‌الله بروجردی در نجف مورد توجه شخصیت‌های حوزوی قرار گرفت و حتی «آیت‌الله سید موسی بحر العلوم» در تاریخ تاسیس آن، چند بیت شعر به ترتیب زیر سرود:

هذه مدرسه شیدت لمن طلب العلم و من ادی فروضه
سسته ید اعلی مرجع زاده الله من الجاه عریضه
للحسین بن علی اجرها جبرالله به الحق مهیضه
و عن الصادق قد ارختها «طلب العلم کما جاء فریضه»^(۴)

تولیت این مدرسه را مرحوم «حاج شیخ نصرالله خلخالی» برعهده داشت. ایشان شخصیتی بسیار توانا، مدیر و مدبر و دارای ویژگی‌های اخلاقی فراوان و نماینده تام‌الاختیار آقای بروجردی در حوزه نجف بود. به همین سبب مدرسه را به بهترین شکل اداره می‌کرد و این مدرسه یکی از مدارس معتبر و مهم حوزه نجف شمرده می‌شد.



شکوفایی بیشتر مدرسه

در آبان ماه سال ۱۳۴۴ که حضرت امام خمینی(ره) به نجف تبعید شد، بلافاصله حاج شیخ نصرالله خلخالی از ایشان درخواست کرد تا در این مدرسه نماز جماعت اقامه کند. امام خمینی(ره) در ابتدا نپذیرفت؛ ولی بعد به اصرار آقای خلخالی پاسخ مثبت داد. حضور حضرت امام رونق و تحرک مضاعفی به این مدرسه بخشید. مدرسه آیت‌الله بروجردی حیاط بزرگی داشت که نزدیک غروب تمام سطح آن با زیلو و فرش پوشیده و آماده می‌شد. امام خمینی(ره) نماز مغرب و عشاء را هر روز با عظمت و شکوه خاصی در این مدرسه اقامه می‌کرد و این نماز در سطح حوزه نجف از نظر کمی و کیفی نظیر نداشت؛^(۵) چون تا آن زمان سابقه نداشت که در نجف مرجع تقلیدی در مدرسه نماز جماعت برگزار کند. طلاب و فضلاء بسیاری شرکت می‌کردند، حتی بعضی از اساتید و شخصیت‌های سرشناس حوزه مثل: مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی لنگرانی که از اعضای استفتای آیت‌الله خویی بود در نماز حاضر می‌شدند و به امام اقتدا می‌نمودند، شاگردان خود حضرت امام نیز که جای خود داشتند^(۶). در ایام ماه مبارک رمضان، حضرت امام

مدرسه آیت‌الله بروجردی
حیاط بزرگی داشت نزدیک
غروب تمام سطح آن با زیلو و فرش
پوشیده و آماده می‌شد. امام خمینی(ره)
نماز مغرب و عشاء را هر روز با عظمت
و شکوه خاصی در این مدرسه اقامه
می‌کرد و این نماز در سطح حوزه
نجف از نظر کمی و کیفی
نظیر نداشت.



به جای اقامه جماعت مغرب و عشاء، نماز ظهر و عصر را در این مدرسه به جا می آوردند.

از سوی دیگر، این مدرسه به طور طبیعی و تربیتی به محل تجمع طلاب و روحانیون انقلابی تبدیل شد. این آقایان وقتی از ایران به نجف می آمدند آقای خلخالی با اشاره مرحوم «حاج آقا مصطفی خمینی»، حجره در اختیار آنان قرار می داد. به طوری که چند بار این مدرسه مورد هجوم ماموران رژیم بعثی عراق قرار گرفت. آنها وارد مدرسه شدند، قفل بعضی حجره ها را شکستند و اثاثیه و کتاب های طلاب را به هم ریختند^(۷). علاوه بعضی طلاب و فضایی دیگر نیز که به عنوان زیارت به نجف می آمدند به طور موقت در سرداب مدرسه اسکان داده می شدند. این مدرسه محل دیدار حضرت امام خمینی (ره) با سایر افراد هم بود. کسانی

که از ایران یا کشورهای عربی و غیرعربی به عنوان زائر به نجف می آمدند، هنگام نماز مغرب و عشاء وارد مدرسه آیت الله بروجردی می شدند و گاهی قبل از نماز یا بعد از آن به زیارت امام خمینی (ره) می شتافتند و مسائل شان را مطرح می کردند، حضرت امام نیز با آغوش باز آنها را به حضور می پذیرفت^(۸). به طور کلی حضور امام خمینی (ره) در مدرسه آیت الله بروجردی، موقعیت این مدرسه را در نجف به موقعیت مدرسه فیضیه در قم تغییر و ارتقا داد و به آن محوریت بخشید. در بعضی مواقع که حضرت امام به دلایلی نمی توانست در نماز حاضر بشود به جای ایشان، حاج آقا مصطفی خمینی، نماز اقامه می کرد و البته این حالت به ندرت اتفاق می شد.

وضعیت فعلی مدرسه

با کمال تأسف، این مدرسه در اواخر دهه شصت در مسیر طرح احداث خیابان قرار گرفت و به این بهانه حدود سه چهارم ساختمان و حجره های آن توسط ایادی رژیم بعثی عراق تخریب شد. ایادی رژیم بعثی حتی نام مدرسه را به نام «امام حسین (ع)» تغییر دادند. یکی از علما که در دوران طلبگی چند سالی در این مدرسه ساکن بود می گوید:



... بعد از جنگ
تحمیلی و برقراری
روابط عراق با ایران
که به زیارت رفتیم
دیدم نصف آن
مدرسه را وابستگان
به حزب بعثی
غصب و به مغازه و

خیابان تبدیل کرده‌اند و نام مدرسه از بروجردی به امام حسین(ع) تغییر داده‌اند. این اقدام البته از روی شیطنت بعثی‌ها بود نه از روی محبت به امام حسین(ع)، زیرا وقتی دشمنی آنان نسبت به ایران و جمهوری اسلامی افزایش یافت، شروع کرده‌اند به ایرانی زدایی از عراق و از بین بردن آثاری که متعلق به ایرانیان بود و نام ایرانی داشت؛ «بروجردی» را به «امام حسین(ع)» تغییر دادند که دیگر هرگز و تا ابد کسی جرأت نکند که نام مدرسه را از امام حسین(ع) دوباره به بروجردی برگردانند...^(۹)

در بهمن سال ۱۳۸۸ طی سفر زیارتی- تحقیقی، بازدیدی از این مدرسه انجام گرفت، معلوم شد تنها در ضلع شرقی مدرسه، از ۶۴ حجره، فقط ۲۵ حجره باقی مانده است. در عین حال طلاب و فضلا در حجره‌ها ساکن و مشغول تحصیل و مباحثه بودند. علاوه در بازدید از زیرزمین (سرداب) مدرسه نیز دیده شد. چند نفر از طلاب زائر که از مناطق دیگر وارد شهر نجف شده بودند در این مکان اسکان داده شده و به‌سر می‌برند.

این مدرسه هم اکنون زیر نظر مرجع دینی حضرت «آیت‌الله العظمی سیستانی» اداره می‌شود و از مدارس نسبتاً فعال حوزه نجف به‌شمار می‌آید.

با کمال تأسف این مدرسه در
اواخر دهه شصت در مسیر طرح
احداث خیابان قرار گرفت و به این بهانه
حدود ۳/۴ ساختمان و حجره‌های آن
توسط ایادی رژیم بعثی عراق تخریب
شد. تنها در ضلع شرقی مدرسه از
مجموع ۶۴ حجره، فقط ۲۵ حجره
باقی مانده است.

پی نوشت

۱. جعفر شیخ باقر آل محبویه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۴۳.
۲. علی دوانی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، ص ۲۰۳.
۳. همان، ص ۲۲۸.
۴. ماضی النجف و حاضرها، ص ۱۴۴.
۵. خاطرات سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.
۶. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ج ۲، ص ۸۲.
۷. خاطرات محمد حسن رحیمیان، حدیث روشن، ص ۲۱۳ و ۲۳۸.
۸. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ج ۱، ص ۱۲۹ و ج ۲، ص ۲۷۲.
۹. خاطرات شیخ عبدالحمید بنایی، ص ۵۱.

